

قیام بهمن ۱۳۵۷:

بازشناسی تاریخ

بقیه از صفحه ۷

س - اکنون اطلاعاتی موجود است که برخلاف توافقنامه گوادلپ، سران ارتش در فکر کودتا و استفاده از نیروی هوایی برای بمباران شهر بودند، چه عواملی سبب شد تا این کودتا شکست بخورد؟

ج - توافقنامه کنفرانس ۷ کشور بزرگ در گوادکوپ بر اساس تغییر رژیم در ایران بود و پس از آن ژنرال هویز برای انتقال قدرت و نیز برای انتقال بعضی از سلاحهایی که تکنولوژی خاص داشت به ایران می آید و با بهشتی و بازگان و سران ارتش و بختیار ملاقات می کند تا شرایط را برای واگذاری قدرت و انتقال برخی از تسلیحات استراتژیک آمریکا فراهم کند. آمریکاییها چون به حکومت بعدی اطمینانی نداشتند با توجه به شرایط آن زمان و جهان دوقطبی، می خواستند این سلاح ها را از ایران خارج کنند.

به درخواست و یا اگر بخواهیم دقیق بگوئیم به دستور هویز ارتش اعلام بی طرف کرد. سران ارتش هم با اسم اعلامیه دادند که ارتش بی طرف است. در نتیجه عملا بدنه و فرماندهان ارتش در اختیار کسانی که قصد شورش داشتند نبود. بخشی از گفتگوهای فرماندهان ارتش در کتاب "چون برف آب خواهیم شد" چاپ شده است. البته این گفتگوها قبل از کنفرانس گوادلپوب است. ولی روحیه ضعیف فرماندهان ارتش در خلال این گفتگوها به خوبی مشخص است. ارتش شاه عملا میدان را باخته بود. آن چه از جانب بعضی از سران ارتش رخ نمود، یک شورش نه چندان گسترده علیه تصمیم به بی طرفی ارتش بود.

س - روح الله خمینی و اطرافیانش هیچگاه مردم را برای قیام فرا نخواندند. در واقع در عمل قیام به آنان تحمیل شد. پس چه شد که نیروهای قیام کننده ابتکار عمل را از دست دادند؟

ج - نیروهای قیام کننده در واقع توسط هیاتهای مساجد و کمیته ها و نیروهایی که بهشتی و چمران و دیگران سازمان داده بودند مهار شدند. اطرافیان خمینی مرتب می گفتند که

«امام فرمان جهاد» نداده و البته خمینی در روز ۲۱ بهمن چند ساعت سکوت کرد. بعد از ظهر روز بیست و یکم بهمن هادی غفاری در میدان فوزیه بالای یک اتوبوس رفته بود(عکس این صحنه وجود دارد) و با بلندگو مردم را دعوت به آرامش می کرد و می گفت که خمینی دستور جهاد نداده است. در واقع برنامه آنها این بود که از روز بیست و یکم بهمن شروع کنند به آرامی وزارتخانه ها را تصرف کنند و اعضای دولت موقت را به جای وزیران قبلی بنشانند.

س - قیام مسلحانه چگونه شکل گرفت و شما در آن چه نقشی داشتید؟

ج - با حمله نیروهای گارد ویژه که علیه اعلامیه بی طرفی ارتش شورش کرده بودند به همافران نیروی هوایی جرقه قیام زده می شود. البته در عمل پس از اعلام بی طرفی ارتش دیگر حکومت نظامی وجود نداشت. این رویداد برنامه ریزی های انجام شده برای انتقال آرام قدرت را به هم ریخت. در همان ساعات اولیه ای که در گیری بین همافران و گارد جاویدان شاهنشاهی شروع شده بود تظاهرات سازمان از دانشگاه تهران شروع شده بود و شعارها به نفع همافران بود. مسیر راهپیمایی از دانشگاه تهران به سمت میدان فردوسی بود که سازمان تصمیم گرفت تظاهرات را خاتمه داده و به قیام بپیوندد. سازماندهنگان تظاهرات مسلح نبودند زیرا ما فقط نگران درگیری با حزب الهی ها بودیم و جمعیتی انبوهی هم در این تظاهرات شرکت کرده بود. در میتینگ نوزده بهمن بر آورد ما از جمعیت صد و پنجاه هزار نفر بود به گونه ای که تمام محوطه دانشگاه و خیابانهای اطرافش پر از جمعیت شده بود، بهر حال در روز بیست و یکم بهمن جمعیت بیشتری آمده بودند که در میدان فردوسی راهپیمایی را متوقف کردیم و نیروها را برای کمک به قیام فرستادیم و چون تعداد نیروها خیلی زیاد بود و امکان سازماندهی عملی آنها وجود نداشت بیشتر آنها با ابتکار فردی خود به مراکز اصلی قدرت حمله کردند و یا حتی دست خالی با خلع سلاح پادگانها و کالانتریها خود را مسلح کردند. پس از این بود که ستاد سازمان در دانشکده فنی دانشگاه تهران تشکیل و اعلام شد.

س - آیا طرح و برنامه ای برای حمله به مراکز اصلی و حساس رژیم وجود

داشت و براساس این طرح عمل می شد؟

ج - نخیر هیچ طرح از پیش تعیین شده ای وجود نداشت و بر اساس ابتکارات تیمها، کادرها، اعضا و هواداران سازمان که هر کدام در یک منطقه به تصرف مراکز نظامی و انتظامی می پرداختند، عمل شد.

س - یعنی سازمان(چ.ف.خ.ا) در آن مقطع اطلاعاتی داده بود که برای قیام آماده شویم ولی عملا خودش برای قیام آماده نبود و حتی شناسایی دقیق و اولویت و طرح عملیاتی منسجمی از اهداف اولیه قیام نداشت؟

ج - بله همین طور است. برای نیروهای انبوهی که به سازمان پیوسته بودند نیز سازماندهی خاصی وجود نداشت. به نظر می رسد که خود سازمان هم به قیام باور نداشت و عملا طرح و نقشه ای برای آن تا روز قیام نداشت زیرا افرادی که آن زمان پس از جان باختن رهبران اصلی سازمان در سال ۵۴ و ۵۵ به مرکزیت سازمان راه یافته بودند در واقع کادرهای درجه سه سازمان بودند که از نظر تجربه، بینش و تئوری چندان برجسته و کارآمد نبودند. یک اصل اساسی برای رهبران سیاسی در چنین لحظاتی، قدرت تصمیم گیری و ریسک پذیری است که متأسفانه ما چنین نبودیم و فاقد رهبران این چنانی هم بودیم.

س - تصویری وجود دارد که اگر انقلاب یا حتی قیام بیشتر طول می کشید نیروهای انقلابی موفق می شدند پایگاه اجتماعی خودشان را وسعت دهند و به افزایش آگاهی مردم کمک کنند و مانع از آن شوند تا حکومت روح الله خمینی به آسانی جایگزین شود، آیا شما با این تصور موافقت میکنید؟

ج - بله، اگر زمان بیشتری طول می کشید نیروهای چپ و انقلابی می توانستند توده های بیشتری را جذب کنند. اما خمینی و اطرافیانش نیز بسیار هوشیار بودند. از طرفی مانع از آن می شدند تا کمونیستها صف آرایی مستقلی داشته باشند و از طرف دیگر دست به مانورهای مختلفی می زنند از جمله آن که خمینی به آمریکاییها گفته بود که بعد از سپردن قدرت به دست دولت موقت می رود به قم و در کار دولت دخالت نمی کند. اما قبل از اعلام دولت موقت، شورای انقلاب را تشکیل داده بود که کسی از نام و

تعداد آنان خبر نداشت. آنها به همین دلیل می خواستند تا با سرعت قدرت را در دست گیرند و مانع از آن شوند که نیروهای دیگر بتوانند نقش موثرتری ایفا کنند. البته این را هم اضافه کنم که از روزی که شاه در تلویزیون به مردم اعلام کرد که «صدای انقلاب» شما را شنیدم، دیگر ما باید می دانستیم که روند حوادث به سرعت طی خواهد شد.

س - در آن موقع احساس و برداشت شما از قیام چگونه بود؟

ج - با وجودی که بیست و پنج سال از قیام گذشته، اکنون که دارم در باره آن روزها صحبت می کنم، التهاب آن روزها را حس می کنم. انگار در همان شرایط هستم. من هم مانند اغلب رفقایمان در یک جو احساسی بودیم که دیکتاتوری در حال نابودی ست و بهار آزادی در راه است. روزی که شاه از ایران رفت، شبی که آخرین گروه زندانیان سیاسی آزاد شدند و بالاخره روزهای ۲۰ تا ۲۳ بهمن. خوب به یاد دارم که من دو سه روز نخوابیدم تا صبح روز بیست و سوم بهمن ماه که در یک گوشه ستاد در واقع از حال رفتم. بسیاری از نیروهای سازمان نیز چنین شور و هیجانی داشتند.

اما از همان ابتدا نیز دو نگرش اصلی در رابطه با حاکمیت وجود داشت یکی این که باید وجهه ضد امپریالیستی حکومت را تقویت کرد که این نگرش بعدها با حزب توده همسانی یافت و سبب انشعاب در سازمان شد و دیگری آن که برای مقابله با انحصار طلبی خمینی باید برای دفاع از دموکراسی و دستاوردهای دموکراتیک قیام از نیروهای لیبرال و دمکرات حمایت کرد.

ما هیچ گاه خودمان به تصرف قدرت و یا دستیابی به قدرت فکر نکرده بودیم و در شرایطی هم نبودیم که این کار را بکنیم اما روز به روز با تهاجمهایی که به ما و نیروهای انقلابی و مردم صورت گرفت بیشتر خود را رو در روی حاکمیت جدید یافتیم.

س - ارزیابی شما از قیام آتی چیست و چه چشم اندازی برای آن می شود تصور کرد؟

بقیه در صفحه ۱۲